

بیگانگی تحصیلی یا دانشگاهی به عنوان یکی از اشکال بیگانگی، اصطلاحی برای توضیح جدایی دانشجویان از فرایند یادگیری و تجربه منزوی بودن از یک گروه تحصیلی یا دانشگاهی است که شخص باید به آن تعلق داشته یا درگیر آن باشد. هدف تحقیق حاضر تحلیل بیگانگی دانشگاهی و ابعاد آن در سطح میدان‌های درون و برون دانشگاهی بر مبنای نظریه ناسازی بوردیو در دانشجویان دانشگاه مازندران می‌باشد. روش تحقیق از نوع پیمایشی و ابزار سنجش آن پرسشنامه محقق ساخته است. تعداد ۳۹۰ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شدند و پرسشنامه بین آنها توزیع گردید. بر اساس نتایج تحقیق، بین میدان درون دانشگاهی (هنجارهای محدودکننده، جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف، اختلال رابطه‌ای) و میدان برون دانشگاهی (ابهام‌اشتغال، مدرک‌گرایی، بحران منزلت و فقدان علاقه به تحصیل) تأثیرات مثبت و مستقیمی بر متغیر وابسته (بیگانگی دانشگاهی) دارد. همچنین مطابق با آزمون مدل نظری تحقیق که با روش معادلات ساختاری انجام شده است؛ مشخص گردید که میدان‌های درون و برون دانشگاهی به همراه شاخص‌هایشان توانستند ۶۶٪ از تغییرات بیگانگی دانشگاهی را تبیین کنند.

■ واژگان کلیدی:

بیگانگی دانشگاهی، دانشجویان، نظریه ناسازی، میدان‌های دانشگاهی، بوردیو

تحلیل جامعه‌شناختی بیگانگی دانشگاهی

مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه مازندران

علی اصغر فیروزجانیان

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران
a.firozjayan@umz.ac.ir

بهزاد هاشمیان

کارشناسی‌ارشد مطالعات جوانان دانشگاه مازندران
behzad.hashemi68@gmail.com

طرح مسئله

یکی از معضلات دوران معاصر که جوامع بسیاری بدان مبتلا بوده و اذهان متفکرین متعددی را به خود مشغول کرده است، مسئله بیگانگی^۱ و شکل‌های گوناگون آن است. بیگانگی مبین نوعی احساس بی‌قدرتی و تنفر از خود و مردم می‌باشد که کنیستون^۲ آن را عکس‌العملی تعریف می‌کند که نسبت به تنفرهای جمعی، فشارهای اجتماعی و زیان‌های تاریخی ابراز می‌شود و به‌دنبال آن برخی از این افراد متمایل به طرد جامعه شده و مسیر مشخصی را برای خود تشکیل می‌دهند. (محسنی تبری، ۱۳۸۱: ۱۳۴) افرادی که با نام بیگانه شناخته می‌شوند آنهایی هستند که قادر نیستند به بخشی از جامعه تبدیل شوند. (اسین^۳، ۲۰۰۹: ۴)

بیگانگی را براساس حوزه مطالعه و حیطة تفحص به سه دسته تقسیم کرده‌اند. ۱. قلمرو فلسفه؛ ۲. قلمرو جامعه‌شناسی یا قلمرو نظام اجتماعی و ۳. قلمرو روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی. (وٹوقی و ساری، ۱۳۹۲: ۹۱) بیگانگی از مفاهیمی است که در تاریخ تفکر اجتماعی قدمت و سابقه طولانی دارد. (نادری و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۹) هگل را شاید بتوان نخستین اندیشمندی به‌شمار آورد که بحثی فلسفی و گسترده در باب مفهوم بیگانگی انجام داده است. مارکس بیگانگی را ناشی از شیوه‌های تولید و روابط طبقات حاکم در جوامع سرمایه‌داری به‌کار می‌برد. در تفکر آرای غالب جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی واقعیت‌گرا، بیگانگی به‌مثابه مانعی در راه مشارکت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مطرح گردیده است. (لیپست^۴، ۱۹۸۸؛ کنیستون، ۱۹۸۵ و جانسون^۵، ۱۹۸۳؛ به‌نقل از حاجی‌زاده، ۱۳۸۸) به‌نظر سیمن^۶ ساختار دیوان‌سالاری جامعه مدرن شرایطی را ایجاد و ابقاء کرده که در آن انسان‌ها قادر به فراگیری و مهار عواقب و رفتارهای خود نیستند. در چنین وضعیتی احساس بیگانگی به فرد دست می‌دهد و او را به حالت ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد. (حاجی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۸)

سیمن شش مؤلفه اصلی را برای بیگانگی مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. احساس بی‌قدرتی؛ ۲. احساس بی‌معنایی؛ ۳. احساس انزوای اجتماعی؛ ۴. احساس بی‌هنجاری؛ ۵.

1. Alienation
2. Keniston
3. Osin
4. Lipset
5. Johnson
6. Seeman

احساس تنفر از خویشتن و ۶. احساس تنفر از فرهنگ. صاحب‌نظرانی نظیر تتلر^۱ (۱۹۷۳)، دال^۲ (۱۹۶۷)، سیمن (۱۹۵۹)، انیمن^۳ (۱۹۷۶)، اسرول^۴ (۱۹۷۱)، دین^۵ (۱۹۸۶)، اسکیر^۶ (۱۹۹۱)، با تأکید بر مفهوم بیگانگی، آنومی و احساس بی‌هنجاری کوشیده‌اند تا چگونگی انفعال فرد از نظام باورها، ارزش‌ها، هنجارها، انتظارات جمعی، الگوهای رفتاری و نظام جمعی را توضیح دهند. (محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۳۵)

امروزه کاربرد مفهوم بیگانگی در مباحث جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به‌نحو بارزی متنوع و متفاوت است و از مطالعه کشمکش‌ها و بدبختی‌ها در زندگی شخصی تا تحلیل ناآرامی‌های دانشجویی در دانشگاه و طغیان نسل جوان و نیز از دیکتاتوری تا ظهور فاشیسم و نازیسم را در بر می‌گیرد. (زکی، ۱۳۸۸: ۲۷)

ظهور دانشگاه و مراکز آموزش عالی به‌شکل کنونی، پدیده دوره مدرنیته است. دانشگاه‌ها به‌روایت فیلسوفان روشنگری حلقه اتصال ضروری بین عقل و پیشرفت شناخته می‌شوند که به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از پروژه بزرگ مدرنیته، دانش را برای منافع جامعه، تولید و بازتولید می‌کنند. (مکلین^۷، ۲۰۰۶؛ به‌نقل از عمرانی، ۱۳۹۳: ۱) مهم‌ترین کارکرد دانشگاه، تولید انسان دانشگاهی و هویت دانشگاهی فرهیخته و توانمندی است که به‌عنوان پیشاهنگان علم عمل می‌کنند. (ذکایی، ۱۳۹۳: ۶)

شکل‌گیری شخصیت و هویت فرد در یک بستر فرهنگی، موجب به‌وجود آمدن عادت‌واره‌هایی می‌شود که گاه گروهی از این عادت‌واره‌ها تا پایان زندگی، گریبان‌گیر فرد هستند. هنگامی که شخصی برای تحصیل، پا به حوزه‌ای (دانشگاه) با هنجارهای گسترده‌تر می‌گذارد، تلاش برای سازگاری میان خود و محیط ثانوی تنش‌ها و ناسازی‌های زیادی در فرد ایجاد می‌کند. (اوگوا، ۲۰۰۸: ۹۱) تجربه بیگانگی درون محیط‌های یادگیری و آموزشی، بیگانگی یادگیرنده از چیزی است که دانشجویان باید به آن تعهد داشته باشند به‌خصوص موضوع و فرایند خود مطالعه. تجربه محیط‌های آموزشی، نشان می‌دهد که دانشجویان نسبتاً به محیط یادگیری و تحصیلی خود متعهد هستند به‌خصوص به موضوع و فرایند مطالعه.

1. Tetelr
2. Dal
3. Animan
4. Asrovel
5. Dean
6. Askyr
7. Mclean

اما در همین بستر تحصیلی دانشجویان با عواملی چون، تجربه احساس تنها بودن، محدود شدن و منزوی شدن از فرآیند یادگیری و تحصیل مواجه می‌شوند. (مان^۱، ۲۰۰۵: ۴۸)

بیگانگی تحصیلی یا دانشگاهی^۲ به‌عنوان یکی از اشکال بیگانگی، اصطلاحی است که برای توضیح و جدایی دانشجویان یا دانش‌آموزان از فرآیند یادگیری استفاده می‌شود و آن را وضعیت یا تجربه منزوی بودن از یک گروه تحصیلی یا دانشگاهی که شخص باید به آن تعلق یا درگیر آن باشد تعریف کرده‌اند. (جانسون، ۲۰۰۵: ۱۷۹) امروزه بسیاری از دانشجویان احساس می‌کنند که خارج از محیط دانشگاه هستند. فقدان شناخت محیط دانشگاه، ارزش‌های پردیس، دسترسی به منابع مالی و انسانی و آشنایی با اصطلاح‌شناسی و کارکرد کلی نظام آموزش عالی همگی موجب وارد شدن شوک فرهنگی و دلزدگی دانشجویان نسبت به دانشگاه می‌شود و احتمال اینکه دانشجویان در حاشیه قرار بگیرند و زودتر محیط دانشگاه را ترک کنند و یا احساس رشد نداشته باشند بیشتر است. (دروتوس^۳، ۲۰۱۱: ۴۹-۴۷)

رفتار دانشجویانی که از هر فرصت ممکن برای خروج از کلاس درس و غیبت استفاده می‌کنند بیانگر نوعی اجبار به ادامه تحصیل است. اگرچه زمینه‌های اولیه بیگانگی از دانشگاه می‌تواند از دوران مدرسه و دبیرستان شروع شود. (تینا و گراد^۴، ۲۰۱۱) شواهد نشان می‌دهد که احساس‌ها و نگرش‌هایی نظیر خستگی و عذاب در کلاس درس، عدم درگیر شدن عمیق در مباحث کلاسی، غیبت‌های غیرموجه، سرقت علمی و کپی‌برداری از آثار دیگران برای ارائه کارنوشت یا مقاله به استاد، طولانی شدن فرآیند تکمیل پایان‌نامه، احساس بیهودگی تحصیل در رشته‌های علوم انسانی، بی‌رغبتی در انجام پایان‌نامه متناسب با مقطع تحصیلی، داشتن زندگی ذهنی و غیر واقعی، طرد واقعیت‌های جامعه ایران و احساس عدم کنترل فردی به زندگی و هویت فردی - اجتماعی و دیگر عوامل موجب بروز پدیده بیگانگی در میان دانشجویان نسبت به تحصیل و دانشگاه شده است. (ذکایی، ۱۳۹۳: ۳)

باتوجه به شواهد و پژوهش‌های انجام‌شده در طی دو دهه اخیر در زمینه ابعاد مختلف بیگانگی در میان جوانان به‌خصوص بیگانگی دانشگاهی در بین دانشجویان، شاهد شکاف،

1. Mann

2. Academic Alienation

3. Drotos

4. Tina & Gerda

جدایی، بی‌هنجاری (رحمان پور، ۱۳۸۹)، احساس و نگرش بی‌قدرتی، بی‌معنایی، انزوا و بیگانگی از فرایند تحصیل (صالح‌نژاد، ۱۳۸۸) و همچنین از فضای دانشگاه (موسوی، ۱۳۹۰) و اساتید و بیگانه بودن نسبت به دیگر دانشجویان (جعفری، ۱۳۹۳) و فاصله‌گزینی (ذکایی و اسماعیلی، ۱۳۹۰) در میان طیف وسیعی از دانشجویان دانشگاه‌های مختلف می‌باشیم. از این‌رو، تحقیق حاضر به پشتوانه نظریه ناسازی بوردیو (هیسترسیس^۱) به دنبال تحلیل جامعه‌شناختی پدیده بیگانگی دانشگاهی در میان دانشجویان است. اینکه میزان بیگانگی دانشگاهی در بین دانشجویان چقدر است؟ و تأثیر میدان‌های درون و برون دانشگاهی بر بیگانگی دانشگاهی دانشجویان به چه میزان است؟

پیشینه تحقیق

برای تحقق این هدف و آگاهی از نتایج یافته‌های تحقیقات قبلی، در این بخش با معرفی پژوهش‌هایی در زمینه بیگانگی و بیگانگی تحصیلی در دو بخش داخلی و خارجی به ارائه یافته‌های مهم و ابعاد تحقیق به صورت خلاصه شده (ارائه جدول) پرداخته شده است و در آخر به نقد و بررسی تحقیقات موجود پرداخته‌ایم. بررسی مطالعات پیشین در بخش تحقیقات خارجی در دوره‌های زمانی (۲۰۱۴-۱۹۹۴) و در بخش تحقیقات داخلی در بین سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۸۱) انجام گرفته است. در مورد تحقیقات پیشین سعی بر آن بوده که آن دسته از تحقیقاتی که قرابت بیشتری با موضوع مورد نظر دارند مورد بررسی قرار گیرند.

از نتایج تحقیقات داخلی صورت‌گرفته می‌توان به درصد بالای بیگانگی قشر جوان از نهادها و روابط اجتماعی و بیگانگی از خود و به‌لحاظ ابعاد بیگانگی به بعد بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی، بی‌معنایی و بی‌قدرتی اشاره کرد. همچنین از نتایج دیگر تحقیقات داخلی می‌توان به عواملی چون بی‌اعتمادی اجتماعی، بی‌تفاوتی اجتماعی، ناهمنوایی اجتماعی، عدم رضایت از زندگی، ضعف نظام اقتصادی، ضعف سرمایه اجتماعی و تضعیف تعهد جمعی در بین افراد جامعه اشاره کرد که در روند بیگانگی اجتماعی و تحصیلی آنها تأثیرگذار بوده‌اند. در اکثر تحقیقات داخلی از نظریه ملوین سیمن در زمینه بیگانگی و ابعاد آن به‌عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. در تحقیقات داخلی به‌جز تحقیق موسوی (۱۳۹۰)، ذکایی (۱۳۹۳) و جعفری (۱۳۹۳) که به بحث بیگانگی تحصیلی

دانشجویان پرداخته‌اند، کمتر مطالعه‌ای در زمینه بیگانگی دانشگاهی و تحصیلی یافته می‌شود، بدین صورت که بیشتر تحقیقات در این زمینه مربوط به بیگانگی و بیگانگی اجتماعی جوانان است.

جدول ۱: مشخصات روش‌شناسانه تحقیقات داخلی

نام محقق	حوزه مطالعات	روش تحقیق	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری	ابزار جمع‌آوری اطلاعات	عوامل مؤثر بر بیگانگی
کلدی و صفی‌پور (۱۳۸۱)	تحلیل از خود بیگانگی	پیمایش	۳۳۶	نمونه‌گیری تصادفی	پرسشنامه	زندگی در کلان شهر، واقعیات اجتماعی، عقلانیت
صالح‌نژاد (۱۳۸۸)	بیگانگی اجتماعی	پیمایش	۳۷۱	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	سرمایه فرهنگی، بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری
موسوی و حیدرپور (۱۳۹۰)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۳۵۹	طبقه‌ای و تصادفی	پرسشنامه	مدرک‌گرایی، ایدئولوژیک بودن نظام آموزشی، محدودیت‌های هنجاری
زکی‌خانی (۱۳۸۹)	بیگانگی در بین دانشجویان	موردی - پیمایش	۱۱۸	تصادفی ساده	پرسشنامه	بی‌هنجاری، جنسیت، سطح تحصیلات
رحمان‌پور (۱۳۸۹)	بیگانگی اجتماعی جوانان	پیمایش	۳۸۴	خوشه‌ای	پرسشنامه	وسایل ارتباط جمعی، فردگرایی، محدودیت انتخاب
ذکایی و اسماعیلی (۱۳۹۰)	بیگانگی تحصیلی	کیفی (پدیدارشناسی)	۴۰	نظری - هدفمند	مصاحبه - میدانی (کدگذاری)	سیاست فرهنگ، فاصله‌گزینی، تعادل بین نیازها و ارزش‌ها، انگیزه اقتصادی، فرهنگی آموزشی
بنی‌فاطمه (۱۳۹۰)	بیگانگی اجتماعی	پیمایش	۳۸۷	طبقه‌ای متناسب	پرسشنامه	اعتماد اجتماعی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی
توفیق‌یان و حسینی (۱۳۹۱)	بیگانگی اجتماعی	پیمایش	۳۶۰	طبقه‌ای متناسب	پرسشنامه	اعتماد اجتماعی، گرایش‌های مذهبی، هم‌نوایی اجتماعی
مجیدی (۱۳۹۱)	بی‌تفاوتی اجتماعی	پیمایش	۳۷۴	طبقه‌ای متناسب باحجم	پرسشنامه	بیگانگی اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، اعتماد اجتماعی
حمدی (۱۳۹۲)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۷۱۹	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، جنسیت

نام محقق	حوزه مطالعات	روش تحقیق	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری	ابزار جمع‌آوری اطلاعات	عوامل مؤثر بر بیگانگی
جعفری (۱۳۹۳)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۱۳۷	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	ناکارآمدی برنامه‌ای تربیت و جذب دانش‌آموختگان، پایین بودن مقام و منزلت تحصیلی، ضعف توانایی دانشگاه در ایجاد توسعه

از نتایج تحقیقات خارجی می‌توان به عواملی چون: احساس تعلق نداشتن به جامعه، بی‌تعهدی اجتماعی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی اشاره کرد که در بیگانگی اجتماعی و بیگانگی تحصیلی افراد جامعه، به خصوص قشر جوان تأثیرگذار می‌باشند. در مطالعات ادبیات خارجی به تمایز بین دو رویکرد خرد و کلان اشاره شده است. مطالعاتی که با چارچوب کلان به رابطه بین بیگانگی، شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌پردازند در واقع مفهوم بیگانگی را در قالب طرد اجتماعی تحلیل می‌کنند. اما آن دسته از تحقیقاتی که بر بعد تحصیلی، آموزشی و تجربیات دانشجویان یا دانش‌آموزان برای درک الگوهای احتمالی بیگانگی تأکید می‌کنند در واقع گروه‌های کوچک در بستر مشخص مانند دانشگاه یا مدرسه را مورد بررسی قرار داده‌اند.

جدول ۲: مشخصات روش‌شناسانه تحقیقات خارجی

نام محقق	حوزه مطالعات	روش تحقیق	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری	ابزار جمع‌آوری	عوامل مؤثر بر بیگانگی
روسر و همکاران (۱۹۹۴)	بیگانگی جوانان	پیمایش	۱۴۸۲	طبقه‌ای متناسب	پرسشنامه	وابستگی، سلامت روانی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی
ایجن لی (۲۰۰۳)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	-	-	پرسشنامه	عدم اعتماد فرهنگی، عدم حمایت اجتماعی، احساس نارضایتی
هاکاتوشی (۲۰۰۴)	عوامل بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۵۵۰	طبقه‌ای	پرسشنامه	پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تعلقات به خانواده
روایی و همکاران (۲۰۰۵)	بیگانگی در جامعه	پیمایش	۱۱۷	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	آموزش مجازی، پایگاه اجتماعی اقتصادی، قومیت

نام محقق	حوزه مطالعات	روش تحقیق	حجم نمونه	شیوه نمونه گیری	ابزار جمع آوری	عوامل مؤثر بر بیگانگی
رایس و همکاران (۲۰۰۸)	عوامل بیگانگی	پیمایش	۵۲۰۵	طبقه‌ای چندمرحله‌ای	پرسشنامه	احساس انزوا، کمبود قابلیت اعتماد و ناتوانی
کومار (۲۰۱۱)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۴۰۰	طبقه‌ای متناسب	پرسشنامه	اختلالات و مشکلات بصری، مشکلات عملکردی
صفی پور (۲۰۱۱)	بیگانگی اجتماعی	پیمایش	۴۴۴	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	مهاجرت، عدم پایداری به هنجارها
کیوتینسی (۲۰۱۱)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۵۰۰	تصادفی ساده	پرسشنامه	تمرد از تحصیل، بی‌علاقگی، عدم حمایت اجتماعی
آنافو (۲۰۱۲)	نقش انگیزه و بیگانگی تحصیلی	پیمایش	-	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	جنسیت، سطح تحصیلی پایین، عامل انگیزه بیرونی، عدم حمایت اجتماعی
رودولف (۲۰۱۴)	بیگانگی اجتماعی	کیفی	۱۲۲۱	تصادفی هدفمند	مصاحبه‌های عمیق	تحت تأثیر همسالان منحرف، پرخاشگری، عدم پایداری بودن به ارزش‌ها و هنجارها

ارزیابی تحقیقات داخلی

- در تحقیقات داخلی بررسی پدیده بیگانگی بیشتر در میان قشر جوان انجام گرفته است.
- تأکید اکثر تحقیقات بر متغیرهایی چون: سرمایه اجتماعی - فرهنگی، بی تفاوتی اجتماعی، بی‌اعتمادی، نارضایتی و ابعاد بیگانگی بوده است.
- بررسی ابعاد بیگانگی (بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوا، بیگانگی از خویشان) در سطح خرد و کلان، مورد بررسی قرار گرفته است.
- بیشتر تحقیقات، نگاهی کلی‌گرایانه به مسئله بیگانگی داشته‌اند.
- غالب تحقیقات از نظریات بیگانگی ملوین سیمن در حوزه روان‌شناسی استفاده

کرده‌اند.

۶. عدم توجه تحقیقات مذکور به تعاملات بین اساتید، دانشجو و دانشگاه.
۷. نگاه یک‌بعدی تحقیقات داخلی به مبحث بیگانگی به این صورت که بیشتر مطالعات داخلی بر روی عوامل برون سیستمی در زمینه بیگانگی اجتماعی و تحصیلی تأکید داشته‌اند تا یک نگاه چندبعدی.

ارزیابی تحقیقات خارجی

۱. تمایز قائل شدن بین دو رویکرد خرد و کلان.
۲. بررسی عمیق و نگاه ریشه‌ای به پدیده بیگانگی.
۳. استفاده از مقیاس‌ها و خرده‌مقیاس‌ها در حوزه بیگانگی.
۴. بررسی نابرابری‌ها و تبعیض‌های نژادی در پرتو بیگانگی.
۵. تأکید بر متغیرهایی چون: بی‌اعتمادی، نارضایتی شخصی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی و تأثیر عدم حمایت خانواده.
۶. عمده مطالعات خارجی در زمینه بیگانگی و ابعاد آن بر روی عوامل برون سیستمی تأکید داشته‌اند.
۷. بخش عمده‌ای از تحقیقات به نقش و تأثیرگذاری ساختار دانشگاه در زمینه بیگانگی اشاره‌ای نکردند.
۸. عدم تأکید تحقیقات بر روابط و تعاملات بین استاد و دانشجو.
۹. بیشتر تحقیقات خارجی نارضایتی‌های فردی را عامل مؤثری در بیگانگی اجتماعی و تحصیلی افراد دانسته‌اند.

با توجه به نتایج مطالعات داخلی و خارجی در بالا اکثر این تحقیقات به موضوع بیگانگی و بیگانگی اجتماعی جوانان توجه داشته‌اند و مطالعات کمتری به بررسی بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی پرداخته‌اند. اگر چه تحقیقات انجام گرفته در این زمینه به نظر می‌رسد که از نگاه جامعه‌شناختی فاصله گرفته و بیشتر بر ابعاد روان‌شناسانه تأکید دارند و این امر موجب گردیده که معدود مطالعات انجام گرفته در این حوزه به عوامل ریشه‌ای و درونی بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی پی نبرند. در این تحقیق برخی از متغیرهای موجود در سطح میدان درون دانشگاهی (موسوی، ۱۳۹۰؛ حمدی، ۱۳۹۲؛ جعفری، ۱۳۹۳ و کومار، ۲۰۱۱) و برون دانشگاهی (ذکایی، ۱۳۹۰؛ موسوی، ۱۳۹۰؛ کیویتیسیمی، ۲۰۱۱ و آتنافو، ۲۰۱۲) با توجه به یافته‌های تحقیقات گذشته انتخاب شده‌اند. اما تمرکز اصلی این تحقیق

بر روی متغیرهایی است که کمتر در مطالعات پیشین مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین این تحقیق سعی بر آن دارد تا با استفاده از یافته‌های تحقیقات گذشته و با تکیه بر نظریه ناسازی بوردیو به عمق و ریشه‌یابی علل و ابعاد بیگانگی دانشگاهی بپردازد.

چارچوب نظری تحقیق

پژوهش حاضر نظریه ناسازی (هیسترسیس) بوردیو را در پاسخ به چرایی بیگانگی دانشجویان از دانشگاه به آزمون می‌گذارد. بوردیو جامعه را فضایی اجتماعی مرکب از مجموعه به هم پیوسته از میدان‌ها (ساختارها) و افراد دارای عادت‌واره‌های مرتبط با میدان می‌داند که به عنوان کنشگر در قالب قواعد حاکم بر میدان‌های اجتماعی و طبق عادت‌واره‌های خود در جهت دستیابی به انواع سرمایه‌ها با هم در تعامل و رقابت قرار دارند. کنشگران با تعاملات و کنش‌های خود در تثبیت یا تغییر فضای اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند. بنابراین فرد موجودی مختار و در عین حال مجبور است. فرد در فضای اجتماعی و در قالب میدان اجتماعی به کسب عادت‌واره نائل می‌آید و تحت تأثیر شرایط ساختاری و ویژگی‌های فردی اعم از روانی و ذهنی - شخصیتی عمل می‌کند، عمل او برآیند ویژگی‌های محیطی و فردی اوست. (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۵)

نظریه ناسازی بوردیو، ذیل نظریه‌های مربوط به میدان^۱ و عادت‌واره^۲ وی قرار دارد. همانگونه که مارکس اصطلاح بیگانگی و دورکیم اصطلاح بی‌هنجاری را برای توضیح اختلاف فرد با جامعه به کار می‌گیرند، اصطلاح ناسازی بوردیو نیز برای توضیح گسست و شکاف در رابطه متقابل عادت‌واره و ساختار میدان است که دیگر با هم تناظر و تطابق ندارند. (گرنفل، ۱۳۸۸: ۲۰۸-۲۰۷) ناسازی واژه‌ای برای توضیح گسست میان عادت‌واره و میدان و پیامدهای آن در طول زمان است. در شرایط ثبات فردی و اجتماعی، عادت‌واره و میدان در حالت سازگاری به سر می‌برند؛ اما هرگاه تغییر حاصل شود، یعنی میدان موقعیت‌های جدیدی تعریف کند یا اینکه سرمایه نمادین فرد دچار تحول شود، می‌گوییم ناسازی یا بیگانگی رخ داده است. (وئوقی، ۱۳۹۲: ۹۳) ناسازی یا هیسترسیس اصطلاحی است که بوردیو برای تأکید بر وجود عقب‌افتادگی فرهنگی یا انفصال بین منش‌های عادت‌واره‌ها و قواعد تغییرکننده و ملزومات مربوط به میدان به کار برده است. به عبارت

1. Field.
2. Habitus

دقیق‌تر، بورديو این انفصال بین عادت‌واره‌ها و میدان را هیستریسیس یا ناسازی می‌نامد. در چنین شرایطی، مقررات موجب کژکارکردی افراد می‌گردد و تلاش‌هایی که افراد از خود ارائه می‌دهند موجب می‌شود که آنها هر چه بیشتر در ناکامی و شکست غوطه‌ور شوند. مفهوم ناسازی یا تمایز، اختلاف بین فرصت‌های جدید ناشی از تغییر میدان و عامل‌هایی را به‌نمایش می‌گذارد که عادت‌واره‌هایشان آنها را موقتاً و حداقل در تشخیص ارزش موقعیت‌های جدید ناتوان می‌کند. (مک‌دونوچ و پالزیر^۱، ۲۰۱۲: ۳۶۲)

بورديو معتقد است عادت‌واره‌ها عمدتاً بادوام‌اند ولی ابدی و همیشگی نیستند و گاهی ممکن است عادت‌واره‌ها با شرایط میدانی اصلاح‌شده منطبق نباشند که بورديو آن را اثر هیستریسیس می‌نامد. یک مثال معمول این است که تضاد نسلی در عادت‌واره‌ها موجب توسعه عامل‌ها در برهه‌های زمانی متفاوت می‌شود. (آسیماکي و کوتراسکی^۲، ۲۰۱۴: ۱۲۵) از نظر بورديو مهم‌ترین کارکرد دانشگاه، شکل دادن به هویت فرد تحصیلکرده تحت عنوان هویت آکادمیک است.

بورديو به‌نوعی به توضیح ناسازی در کتاب «انسان دانشگاهی»^۳ می‌پردازد. او با در نظر گرفتن میدان دانشگاهی به تحلیل قدرت در دانشگاه می‌پردازد. از نظر او نوعی تغییر واقعی در میدان دانشگاه رخ داده بود. تعداد دانشجویان به‌شدت افزایش یافته و بحران جایگزینی اساتید و کارکنان موجب ناسازی شده بود. (بورديو، ۱۹۸۸: ۱۱۲) او همچنین در کتاب «طرحی از نظریه عمل»^۴ به ناسازی عادت‌واره اشاره می‌کند. در صورتی که محیطی که عملاً با آن مواجه هستند فاصله زیادی با آنچه که به‌لحاظ عینی انطباق یافته‌اند داشته باشد در نتیجه اثر ناسازی که ضرورتاً منطبق شکل‌گیری عادت‌واره نیز از آن متأثر می‌شود، کنش‌ها مشمول واکنش‌های منفی خواهند شد. ناسازی عادت‌واره که ویژگی ذاتی شرایط اجتماعی بازتولید ساختارها در عادت‌واره است بدون شک یکی از بنیان‌های تأخر ساختاری میان فرصت‌ها و تمایلات مورد نیاز برای فهم آنهاست. (بورديو، ۱۹۹۵: ۷۸-۸۳)

مسئله ناسازی در نظریات بورديو به دو صورت در دانشگاه‌ها می‌تواند رخ دهد. اول اینکه دانشگاه‌ها نهاد عمده‌ای هستند که در آن خشونت نمادین در مورد انسان‌ها اعمال می‌شود.

1. Mcdonough & Polzer
2. Asimaki & Koustourask
3. Homo Academia
4. Outline of Theory of Practice

(ریتزر، ۱۳۸۹) دوم اینکه بورديو دانشگاه‌ها را به‌مثابه میدانی تلقی می‌کند که در بین اشغال‌کنندگان و جایگاه‌های درون میدان کشمکش‌ها و ناسازی‌های به‌وجود می‌آید. افراد از طریق عادت‌واره یا ساختمان ذهنی سعی در حفظ بهبود جایگاه خود، درون میدان دارند. عادت‌واره به طرح‌های تفسیری، یا به‌نحو ضمنی به‌کار گرفته‌شده‌ای اشاره دارد که نحوه کار جهان و نحوه ارزیابی امور را به ما نشان می‌دهد و دستورالعمل‌هایی برای کنش ارائه می‌کند. بورديو آنچه را سازنده هویت دانشجویان است با مفهوم عادت یا مکان دانشگاهی توضیح می‌دهد. از نظر بورديو عادت‌واره یا به‌عبارت دیگر عادت، منش و ساختمان ذهنی، ذوق و سلیقه فرد دانشگاهی و دیگر امور حوزه مناسب (کنش آکادمیک) و عناصر زیست دانشگاهی، درون فرد دانشگاهی متناسب با ساختار اجتماعی معین او شکل می‌گیرد. از این‌رو در جوامع مختلف عادت‌واره‌های دانشگاهی مختلف شکل می‌گیرد. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۷) مقوله نسبت فرهنگ دانشگاهی و از خودبیگانگی دانشگاهی را می‌توان با نظریه سرمایه فرهنگی بورديو و دانشگاه به‌عنوان یک میدان فرهنگی اجتماعی مورد بررسی قرار داد. از نظر بورديو، سرمایه فرهنگی (مثل مدارک تحصیلی، رشته تحصیلی و نوع دانشگاه) تعیین‌کننده شانس‌های زندگی فرد بوده و در نظام شایسته‌سالاری دانشگاهی و تحصیلی، سلسله مراتب اجتماعی را سامان می‌دهد. به‌اعتقاد بورديو منبع نابرابری در جامعه بیشتر ماهیت فرهنگی دارد تا اقتصادی و فاصله بین فرهنگ مدرسه و خاستگاه اجتماعی شاگردان عامل مهمی در تعیین موفقیت آنها در نظام آموزشی محسوب می‌شود. (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۸۵) بنابراین نابرابری در توزیع سرمایه از یک‌سو، فضاهای ساختمان قدرت‌اند و از سوی دیگر، صحنه کشاکش و ناسازی‌های کنشگرانی است که در پی حفظ یا براندازی نظام موجود توزیع سرمایه هستند. (واکووانت، ۱۳۸۱: ۳۳۶)

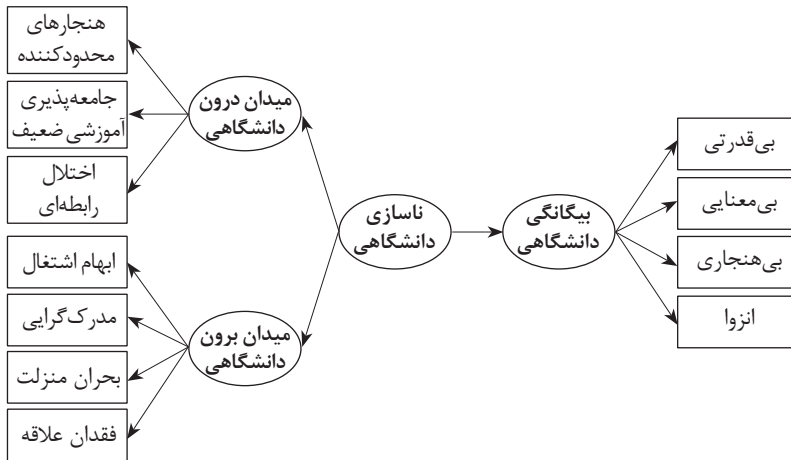
در مجموع می‌توان گفت که ناسازی به‌مثابه ابزاری تحلیلی، پیوندی آشکار میان وضعیت عینی تغییرات نظام‌مند (تحول میدان) و واکنش به تغییرات در نتیجه تحول فکری عادت‌واره جایگزین برقرار می‌کند. از این‌رو، چنین مفهومی امکان فهم ذات تغییرات میدان و پیامدهای آن را آن‌گونه که فرد در دنیای واقعی اجتماعی تجربه می‌کند، برای ما فراهم می‌کند. نظریه ناسازی بورديو به‌نوعی توضیح‌دهنده روابط نامتعادل بین میدان و عادت‌واره است. در شرایط تعادل بین وضعیت میدان و عادت‌واره تناسب وجود دارد، اما وقتی میدان تغییر می‌کند، عادت‌واره در شرایط عدم تعادل قدرت تطبیق‌پذیری خود را از دست می‌دهد و در این وضعیت ناسازی یا بیگانگی رخ می‌دهد. براساس نظریه بورديو

در شرایط ناسازی، دانشجویان تحت تأثیر وضعیت میدان‌هایی که آنها را احاطه کرده است سرمایه فرهنگی خود را در خطر دیده و عکس‌العمل آنها بیگانگی نسبت به محیط دانشگاه و فرآیند تحصیل می‌باشد. در حقیقت دانشجو در وضعیت نامتعادل میدان‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرد که این وضعیت تطابق او را دچار چالش می‌کند. این وضعیت خود را در حالت بیگانگی یا ناسازی نمایان می‌کند.

در این تحقیق میدان‌های بوردیویی به دو دسته میدان درون دانشگاهی و برون دانشگاهی تقسیم می‌شود. در میدان درون دانشگاهی، دانشگاه به‌عنوان میدانی در نظر گرفته می‌شود که دانشجو برای کسب و ارتقاء سرمایه فرهنگی در آن تلاش می‌کند؛ اما در این میدان‌ها تغییراتی رخ می‌دهد که موجب شکل‌گیری منشی می‌شود که بوردیو آن را ناسازی یا بیگانگی می‌نامد. در این تحقیق این تغییرات ناموزون در سه حوزه بررسی شده است. محدودیت‌های رفتاری و فکری موجود در فضای دانشگاه (هنجارهای محدودکننده) بدون اینکه گزینه دیگری پیش روی دانشجو باشد. ضعف در کارایی نظام آموزشی که مانع انتقال ارزش‌های به‌نحار فرهنگی نظام آموزشی و فرهنگی می‌شود (جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف) و در نهایت اختلال در روابط بین نقش دانشجو و دیگر نقش‌های موجود در دانشگاه از جمله اساتید و کارکنان دانشگاه که به‌نوعی اختلال در سرمایه اجتماعی درون گروهی است (اختلال رابطه‌ای) و موجب شکل‌گیری وضعیت بیگانگی در میان دانشجویان می‌گردد. در عین حال در میدان برون دانشگاهی نیز عواملی چند موجب ناسازی می‌شوند. از جمله عدم تناسب آموزش با وضعیت اشتغال در جامعه (ابهام شغل) و به‌نوعی دیگر گسترش مدرک‌گرایی در جامعه که در نتیجه آن هجوم بی‌نتیجه جوانان به سمت مدارک تحصیلات تکمیلی صورت می‌گیرد که خود منجر به کاهش و بحران منزلت تحصیلکرده‌ها در جامعه شده است. در این وضعیت علاقه افراد به تحصیل و پیگیری آموزش در دانشگاه کاهش می‌یابد. مجموعه این عوامل در میدان برون دانشگاهی منجر به بیگانگی دانشگاهی دانشجویان در دانشگاه خواهد شد. همچنین در این تحقیق برای سنجش میدان درون و برون دانشگاهی با توجه به یافته‌های تحقیقات گذشته و با پشتوانه نظریه ناسازی بوردیو آن دسته متغیرهایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که کمتر به آنها پرداخته شده است.

بر این اساس مدل نظری تلفیقی براساس نظریه ناسازی بوردیو برای تحلیل (بیگانگی دانشگاهی) طراحی گردید. مدل نظری زیر مدل ساختاری یا مدل عامل مرتبه دوم است.

مدل تحقیق



شکل ۱: مدل نظری روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته (بیگانگی دانشگاهی)

فرضیات تحقیق

براساس چاقوب نظری تحقیق و مدل برآمده از آن، فرضیات تحقیق عبارت‌اند از:

۱. ناسازی در میدان‌های درون دانشگاهی بر بیگانگی دانشجویان از دانشگاه تأثیر مستقیم دارد.
۲. ناسازی در میدان‌های برون دانشگاهی بر بیگانگی دانشجویان از دانشگاه تأثیر مستقیم دارد.
۳. بین هنجارهای محدودکننده دانشگاهی برای دانشجویان و بیگانگی دانشگاهی رابطه وجود دارد.
۴. بین جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف و بیگانگی دانشجویان از دانشگاه رابطه وجود دارد.
۵. بین اختلال رابطه‌ای (فرسایش سرمایه اجتماعی دانشجویان) و بیگانگی دانشگاهی رابطه وجود دارد.
۶. بین ابهام اشتغال برای دانشجویان و بیگانگی دانشگاهی رابطه وجود دارد.
۷. بین مدرک‌گرایی و بیگانگی دانشگاهی رابطه وجود دارد.
۸. بین بحران منزلت اجتماعی در میان دانشجویان و بیگانه شدن آنها از فرآیند تحصیل و دانشگاه رابطه وجود دارد.

۹. بین فقدان علاقه به تحصیل در بین دانشجویان و بیگانه شدن آنها از دانشگاه رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

از لحاظ منطق روش‌شناختی، روش تحقیق حاضر پیمایشی^۱ و از نوع مقطعی^۲ می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق عبارت است از کلیه دانشجویان (۱۱۳۷۷ نفر) دانشگاه مازندران که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ مشغول به تحصیل بوده‌اند. تعداد نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، ۳۹۰ نمونه تعیین شده است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز تحقیق حاضر از طریق ابزار پرسشنامه به روش میدانی جمع‌آوری شده است. برای ارزیابی میزان اعتبار و روایی از روش اعتبار صوری و برای سنجش میزان اعتماد و پایایی مقیاس، پس از بررسی پرسشنامه در یک نمونه ۴۰ نفری، از آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای تمامی طیف‌های استفاده‌شده در این تحقیق، در محدوده قابل قبول و بیش از ۰/۷ بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم‌افزار SPSS و برای آزمون مدل نظری از مدل ساختاری AMOS استفاده شده است.

تعریف مفاهیم متغیر وابسته و متغیرهای مستقل در این پژوهش در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: تعریف مفاهیم متغیر وابسته و متغیرهای مستقل

متغیر	تعریف نظری	تعریف عملیاتی
هنجارهای محدودکننده	محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی آموزشی از جانب دانشگاه	محدودیت در انتخاب جنسیت دوستان، افکار و عقاید دانشجویان و محدودیت‌های رفتاری
جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف	ناتوانی در پرورش و اشاعه درست هنجارهای دانشگاهی در محیط‌های علمی و عدم درونی کردن هنجارها از طریق سیستم آموزشی دانشگاه در بین دانشجویان	ضعف در کارایی سیستم آموزشی تعاملی، عدم درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها در بین دانشجویان، شکاف بین فرهنگ یادگیری
اختلال رابطه‌ای	پایین بودن میزان چگالی روابط اجتماعی، فرهنگی، قرینگی روابط اجتماعی، تعدد روابط اجتماعی، شدت روابط اجتماعی و تنوع هویت‌ها در روابط اجتماعی	زمانی که بین تعاملات دانشجویان با نقش‌های دانشگاهی اعم از استاد و نقش‌های اداری و آموزشی ارتباطات ضعیفی برقرار باشد.

1. Survey
2. Cross-Sectional

متغیر	تعریف نظری	تعریف عملیاتی
ابهام اشتغال	رشد بی‌رویه تحصیلات در دانشگاه‌ها بدون توجه به یک چشم‌انداز آینده‌نگر برای اشتغال دانش‌آموختگان	نامعلوم و نامشخص بودن آینده شغلی متناسب با تخصص برای دانشجویان
مدرک‌گرایی	به وضعیتی اشاره دارد که در آن از مدرک تحصیلی به‌صورت غیرتولیدی و به‌عنوان ابزاری برای غریبال کردن افراد در کسب مشاغل و حرفه‌ها استفاده می‌شود.	محبوبیت مدرک در جامعه، درجه‌بندی و ارزیابی افراد براساس مدارک تحصیلی در جامعه
بحران منزلت اجتماعی	کم‌ارزش قلمداد کردن موقعیت و جایگاه افراد توسط جامعه	احساس خطر فرسودگی در نقش اجتماعی، موقعیت و جایگاه نازل دانشجوی
فقدان علاقه به تحصیل	عدم تمایل یادگیرنده به درگیر شدن در فعالیت‌های یادگیری و تحصیلی	عدم تمایل دانشجوی به درگیر شدن در فعالیت‌های کلاسی و تلاش نکردن برای پایان دادن به فعالیت‌های تحصیلی خویش
بیگانگی دانشگاهی	جدایی دانش‌آموزان و دانشجویان از فرایند یادگیری و تحصیل	احساس جدایی و دلزدگی دانشجویان از فرایند تحصیلی و دانشگاه، ناتوانی در برقراری ارتباط معنادار با دیگران
احساس بی‌قدرتی	احتمال یا انتظار فرد به بی‌تأثیری عمل خویش و یا تصور اینکه رفتار او قادر به تحقق نتایج مورد انتظارش نخواهد بود.	عدم توانایی در انجام امور دانشگاهی و تحصیلی، ناتوانی در برابر مشکلات درسی و نامیدی در رسیدن به اهداف و علائق
احساس بی‌معنایی	فرد در باور و عقیده خود دچار تردید و ابهام می‌شود، به این صورت که نمی‌تواند تشخیص دهد که به چه چیزی باید تعلق داشته باشد.	عدم درک و فهم از جایگاه و موقعیت دانشگاهی، بی‌هدفی تحصیلی و سردرگمی در فعالیت‌های درسی
احساس بی‌هنجاری	دستیابی به اهداف دلخواه تنها در گروه اعمال و رفتارهایی است که از نظر اجتماعی مقبول و پسندیده نباشد.	عدم پیروی از قوانین موجود در دانشگاه، بی‌اهمیتی به قوانین و هنجارهای دانشگاهی
احساس انزوا	بیگانه شدن فرد از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، به این صورت که شخص احساس تنهایی می‌کند و می‌خواهد از دیگران کناره‌گیری کند.	عدم همکاری با دیگران در انجام امور تحصیلی، تعاملات ضعیف و عدم شرکت در گروه‌های علمی دانشگاه

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

الف. توصیف اجمالی متغیرهای تحقیق

اطلاعات این تحقیق از بین ۳۹۰ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران در سال تحصیلی (۹۳-۹۴) که ۱۵۰ نفر از آنها (۳۸/۵ درصد) مرد و ۲۴۰ نفر (۶۱/۵ درصد) زن بوده‌اند، گردآوری شده است. ۱۶/۲ درصد پاسخگویان افراد کمتر از ۲۰ سال، ۵۵/۱ درصد بین ۲۱ تا ۲۵ ساله، ۲۴/۱ درصد ۲۶ تا ۳۰ ساله بوده و تنها ۴/۶ درصد بیشتر از ۳۰ سال سن داشته‌اند. همچنین کمترین میزان سن در بین پاسخگویان ۱۹ سال و بیشترین میزان سن در میان پاسخگویان ۳۵ سال می‌باشد. میانگین سنی پاسخگویان ۲۴ سال بوده است. براساس وضعیت تأهل، ۳۳۷ نفر از دانشجویان (۸۶/۴ درصد) مجرد و ۵۳ نفر (۱۳/۶ درصد) متأهل بوده‌اند. از لحاظ وضعیت سکونت ۳۰۳ نفر از دانشجویان (۷۷/۷ درصد) ساکن خوابگاه، ۳۵ نفر (۹ درصد) دارای منزل شخصی و ۵۲ نفر (۱۳/۳) با والدین خود زندگی می‌کردند.

براساس توزیع پاسخگویان بر حسب دانشکده‌های موجود در دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی با ۲۱/۸ درصد و دانشکده علوم دریایی با ۵ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین سهم پاسخگویان از بین ۳۹۰ نفر حجم نمونه را داشته‌اند. بر مبنای ترم تحصیلی، دانشجویان ترم چهار کارشناسی ارشد با ۲۵/۶ درصد و ترم دوم با ۲۲/۶ درصد به ترتیب بیشترین سهم را در حجم نمونه تحقیق داشته‌اند و همچنین دانشجویان ترم سه و نه کارشناسی و دانشجویان ترم هفت دکتری با ۳ درصد کمترین سهم را بین ترم‌های تحصیلی داشته‌اند. براساس طبقه اقتصادی (پایین، متوسط، بالا) تنها ۱۶ نفر از پاسخگویان ۴/۱ درصد خود را متعلق به طبقه بالا، ۲۸۵ نفر (۷۳/۱ درصد) خود را متعلق به طبقه اقتصادی متوسط و ۸۹ نفر (۲۲/۸ درصد) از پاسخگویان خود را متعلق به طبقه اقتصادی پایین عنوان کرده‌اند.

همچنین براساس درآمد خانواده ۳۶/۹ درصد دانشجویان درآمد خانواده خود را کمتر از یک میلیون، ۴۷/۹ درصد درآمد خانواده خود را بین یک تا دو میلیون، ۹/۵ درصد درآمد خانواده خود را بین دو تا سه میلیون و تنها ۳/۱ درصد درآمد خانواده خود را بیش از سه میلیون عنوان کرده‌اند. حداقل میزان درآمد خانواده در بین پاسخگویان، یک میلیون تومان و حداکثر درآمد نه میلیون تومان می‌باشد. میانگین درآمد خانواده پاسخگویان به صورت تقریبی برابر با ۱.۵۳۰.۰۰۰ تومان می‌باشد.

نتایج کل شاخص هنجارهای محدودکننده نشان می‌دهد که ۷/۹ درصد از دانشجویان میزان هنجارهای محدودکننده خود را پایین، ۴۷/۹ درصد در حد متوسط و ۴۴/۱ درصد از آنها میزان هنجارهای محدودکننده از جانب دانشگاه را بالا عنوان کرده‌اند. در مورد متغیر جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف نتایج حاکی از آن است که، تنها ۷/۵ درصد از دانشجویان جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف در دانشگاه را کم، ۵۳/۱ درصد در حد متوسط و ۳۹/۴ درصد از دانشجویان معتقدند میزان جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف در دانشگاه بالا است. همچنین نتایج متغیر اختلال رابطه‌ای نشان از آن دارد که، ۱۵/۹ درصد از دانشجویان میزان اختلال رابطه‌ای (فرسایش سرمایه اجتماعی) خود را پایین، ۵۱/۲ درصد در حد متوسط و تنها ۳۲/۹ درصد از دانشجویان میزان اختلال رابطه‌ای خود را در دانشگاه بالا عنوان کرده‌اند. براساس نتایج شاخص کل، تنها ۸/۲ درصد از دانشجویان میزان مدرک‌گرایی خود را پایین، ۴۷/۲ درصد در حد متوسط و ۴۴/۶ درصد از دانشجویان میزان مدرک‌گرایی خود را بالا عنوان کرده‌اند. در مورد متغیر ابهام اشتغال، یافته‌ها حاکی از آن دارد که ۴/۳ درصد از دانشجویان میزان ابهام اشتغال خود را کم، ۳۸/۵ درصد در حد متوسط و ۵۸/۱ درصد از دانشجویان میزان ابهام اشتغال خود را بالا عنوان کرده‌اند. نتایج متغیر بحران منزلت نیز حاکی از آن است که، تنها ۸/۲ درصد از دانشجویان میزان بحران منزلت خود را کم، ۲۱/۴ درصد در حد متوسط و ۷۰/۴ درصد از دانشجویان میزان بحران منزلت خود را بالا عنوان کرده‌اند. همچنین نتایج شاخص فقدان علاقه به تحصیل نشان می‌دهد که فقط ۲۱/۳ درصد از دانشجویان میزان فقدان علاقه به تحصیل خود را کم، ۴۴/۴ درصد در حد متوسط و ۳۴/۳ درصد از دانشجویان میزان فقدان علاقه به تحصیل خود را بالا عنوان کرده‌اند.

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصدی شاخص کل بیگانگی بر حسب جنس

جنسیت	پسر		دختر		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کم	۱	۰/۳	۱۰	۲/۶	۱۱	۲/۹
متوسط	۷۳	۱۸/۸	۱۳۳	۳۴/۳	۲۰۶	۵۳
زیاد	۷۶	۱۹/۶	۹۵	۲۴/۵	۱۷۱	۴۴/۱
کل	۱۵۰	۳۸/۷	۲۳۸	۶۱/۳	۳۸۸	۱۰۰

میانگین: ۲۴/۹۵؛ حداقل: ۰؛ حداکثر: ۴۰

جدول ۴ بیانگر توزیع فراوانی و درصدی شاخص کل بیگانگی دانشگاهی بر حسب جنس می‌باشد. براساس نتایج این جدول ۲/۹ درصد دانشجویان میزان بیگانگی دانشگاهی خود را «کم»، ۵۳ درصد میزان بیگانگی دانشگاهی خود را «متوسط» و ۴۴/۱ درصد از دانشجویان میزان بیگانگی دانشگاهی خود را «زیاد» عنوان کرده‌اند. همچنین میانگین شاخص بیگانگی کل ۲۴/۹۵ و حداقل نمره ۰ و حداکثر آن ۴۰ می‌باشد.

ب. آزمون فرضیات تحقیق

برای آزمون فرضیات تحقیق از آزمون‌های تی تست و تحلیل واریانس و پیرسون استفاده گردید. در ادامه نتایج آزمون‌های تحقیق گزارش می‌شود.

جدول ۵: آزمون تفاوت میانگین بیگانگی دانشگاهی بر حسب جنسیت و وضعیت تأهل

متغیر	وضعیت تأهل	تعداد	میانگین	آماره تی	سطح معناداری
وضعیت تأهل	مجرد	۳۳۶	۶۱/۰۶	-۰/۱۰	۰/۹۲
	متأهل	۵۳	۶۱/۱۷		
جنسیت	پسر	۱۵۰	۶۲/۰۷	۲/۱۵	۰/۰۳
	دختر	۲۳۸	۶۰/۴۵		

براساس اطلاعات جدول ۵ تفاوتی میان دانشجویان مجرد و متأهل در رابطه با بیگانگی وجود ندارد. اما تفاوت معنی‌داری میان بیگانگی دانشگاهی دختران و پسران دانشجو مشاهده می‌شود. دانشجویان پسر نسبت به دختران بیگانگی بیشتری از خود بروز می‌دهند. به نظر می‌رسد این نتیجه بی‌ارتباط با ناسازی در میدان برون‌دانشگاهی از جمله ابهام شغل در جامعه نباشد.

جدول ۶: آزمون تفاوت میانگین بیگانگی دانشگاهی بر حسب محل سکونت و تحصیلات

طبقات	فراوانی	میانگین	میزان F	سطح معناداری
ساکن خوابگاه	۳۰۲	۹۰/۶۰	۳۰/۲	۰/۰۱
منزل شخصی	۳۴	۵۹/۶۳		
نزد والدین	۵۲	۴۴/۶۰		
کل	۳۸۸	۶۱/۰۷		

سطح معناداری	میزان F	میانگین	فراوانی	طبقات	
۰/۰۰۰	۳۷/۶	۷۵/۵۹ ۴۰/۶۲ ۲۱/۶۰ ۶۱/۰۷	۱۷۱ ۱۸۹ ۲۸ ۳۸۸	کارشناسی کارشناسی ارشد دکتری کل	تحصیلات

جدول ۶ تفاوت میانگین‌های بیگانگی دانشجویان براساس محل سکونت و سطح تحصیلات را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات جدول، دانشجویانی که ساکن خوابگاه‌اند، بیشترین بیگانگی و افرادی که با والدین زندگی می‌کنند کمترین بیگانگی را از خود نشان می‌دهند. که این اهمیت جایگاه خانواده را در بحث تعلق اجتماعی نشان می‌دهد. در مورد تحصیلات نیز دانشجویان کارشناسی بیشترین و دانشجویان دکتری کمترین بیگانگی دانشجویان را از خود بروز می‌دهند. به نظر می‌رسد که با افزایش تحصیلات همسازی افراد نسبت به محیطشان افزایش خواهد یافت.

۱۲۴

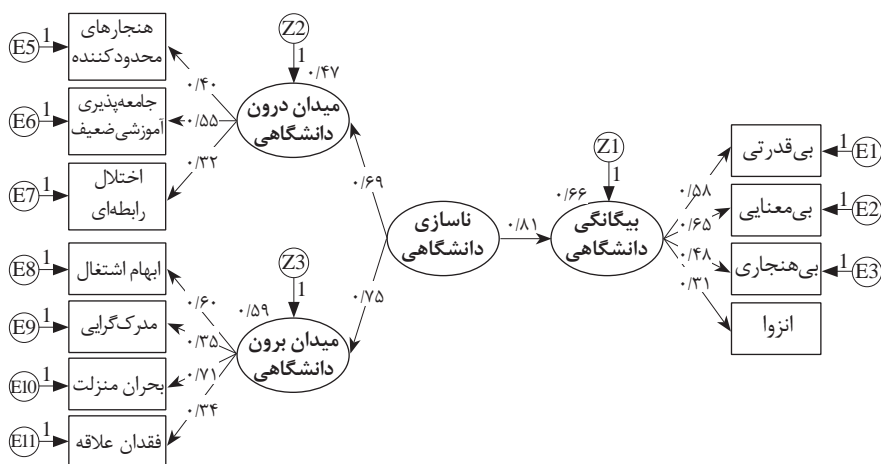
جدول ۷: آزمون همبستگی رابطه بین متغیرهای مستقل و بیگانگی دانشجویان

سطح معناداری	میزان همبستگی	متغیر مستقل
۰/۰۰	۰/۳۷	هنجارهای محدودکننده
۰/۰۰	۰/۲۹	جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف
۰/۱۲	۰-/۰۸	اختلال رابطه‌ای
۰/۰۰	۰/۴۹	ابهام اشتغال
۰/۰۰	۰/۳۰	مدرک‌گرایی
۰/۰۰	۰/۵۳	بحران منزلت اجتماعی
۰/۰۰	۰/۲۷	فقدان علاقه به تحصیل

جدول ۷ بیانگر میزان همبستگی بین متغیرهای مستقل تحقیق با بیگانگی دانشجویان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که از جدول بالا بر می‌آید، با توجه به سطح معناداری‌های موجود بین متغیرهای هنجارهای محدودکننده ($r=0/37$)، جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف ($r=0/29$)، ابهام اشتغال ($r=0/49$)، مدرک‌گرایی ($r=0/30$)، بحران منزلت اجتماعی ($r=0/53$) و فقدان علاقه به تحصیل ($r=0/27$) با بیگانگی دانشجویان تأثیر مستقیم و مثبتی وجود دارد.

آزمون مدل نظری

همان‌گونه که آمد در این تحقیق براساس نرم‌افزار AMOS روابط بین متغیرهای مستقل و تأثیرشان بر متغیر وابسته به صورت مدلی تجربی ارائه گردید. مدل‌سازی معادله ساختاری روشی برای آزمون مدل‌های نظری است که در آن خطاهای احتمالی هم در تحلیل مدنظر قرار می‌گیرد. در مدل زیر تأثیر میدان‌های درون و برون دانشگاهی به‌واسطه سازه ناسازی بر بیگانگی دانشگاهی مورد آزمون و تبیین قرار گرفته است.



مدل تجربی ۲: مدل ساختاری روابط ناسازی دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی

ضریب تعیین = $0/66$ ؛ ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد = $0/09$ ؛ سطح معنی‌داری = $0/06$ ؛ درجه آزادی = ۴۲

مدل تجربی ۲ تأثیر میدان‌های برون و درون دانشگاهی بر بیگانگی دانشگاهی را نشان می‌دهد. میزان بتای کل ($0/81$) نشان می‌دهد که تأثیر دو میدان بر بیگانگی مثبت و بالا می‌باشد. هر چند تأثیر میدان برون دانشگاهی بر بیگانگی بیشتر می‌باشد. در عین حال میدان‌های درون و برون دانشگاهی به همراه مؤلفه‌هایشان با یکدیگر توانستند ۶۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (بیگانگی دانشگاهی) را تبیین کنند.

جدول ۸: آماره‌های برازش رابطه بین بیگانگی دانشگاهی و میدان‌های درون و برون دانشگاهی

ضریب تعیین	شاخص برازش تطبیقی	شاخص برازش افزایشی	شاخص برازش نسبی	شاخص برازش هنجار شده	کای اسکوئر
۲/۸۷	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۱	۳۵/۵۶

آماره‌های برازش در معادله ساختاری نشان می‌دهند که آیا مدل نظری با داده‌های نمونه تناسب دارند یا خیر. همان‌گونه که در بالا آمده است آماره کای اسکوئر معنی‌دار نیست که این بیانگر برازش مدل تجربی است. بدین معنا که تمایز آنچنانی بین داده‌های نمونه‌ای و داده‌های تولیدشده توسط مدل تحلیلی وجود ندارد. همچنین نتایج آماره ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (۰/۰۶) و شاخص برازش تطبیقی مقصد (۰/۹۱) بیانگر برازش قابل قبول مدل مسیر می‌باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه کاربرد مفهوم بیگانگی در مباحث جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به‌نحو بارزی متنوع و متفاوت است و از مطالعه کشمکش‌ها و بدبختی‌ها در زندگی شخصی تا تحلیل ناآرامی‌های دانشجویی در دانشگاه و طغیان نسل جوان را در بر می‌گیرد. بیگانگی تحصیلی یا دانشگاهی به‌عنوان یکی از اشکال بیگانگی، اصطلاحی برای توضیح و جدایی دانشجویان از فرایند یادگیری و تجربه منزوی بودن از یک گروه تحصیلی یا دانشگاهی است که شخص باید به آن تعلق داشته یا درگیر آن باشد. لذا تحقیق حاضر به تحلیل جامعه‌شناختی بیگانگی دانشگاهی و ابعاد آن و عوامل مؤثر بر آن در سطح میدان‌های درون و برون دانشگاهی در بین دانشجویان پرداخته است.

براساس چارچوب نظری (نظریه ناسازی بوردیو) و پژوهش‌های تجربی پیشین، مدل نظری جهت بررسی بیگانگی دانشگاهی طراحی شد. بر این اساس، بیگانگی دانشگاهی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و متغیرهای هنجارهای محدودکننده، جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف، اختلال رابطه‌ای، در سطح میدان‌های درون دانشگاهی و متغیرهای ابهام اشتغال، مدرک‌گرایی، بحران منزلت اجتماعی، فقدان علاقه به تحصیل، در سطح میدان‌های برون دانشگاهی به‌عنوان متغیرهای مستقل معرفی شدند. براساس یافته‌های تحقیق، حدود ۲/۹ درصد از دانشجویان میزان بیگانگی خود را از دانشگاه کم، ۵۳/۱ درصد در حد متوسط و ۴۴/۱ درصد از دانشجویان میزان بیگانگی دانشگاهی خود را بالا عنوان کرده‌اند. با توجه با یافته‌های تحقیق دانشجویان در مقاطع تحصیلی پایین‌تر نسبت به تحصیل و دانشگاه بیگانه و دلزده‌ترند. دلایل مختلفی را می‌توان با تکیه بر یافته‌های تحقیق عنوان کرد، اما شاید مهم‌ترین علت آن مواجهه شدن با بحران جایگاه از سوی جامعه و آینده شغلی پر از ابهام برای اکثر دانشجویان باشد که آنها را به‌سمت

منزوی شدن نسبت به فرایند تحصیل و دانشگاه کشانده است.

براساس یافته‌های تحقیق و ضریب همبستگی بین ناسازی در میدان درون دانشگاهی (هنجارهای محدودکننده، جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف) با بیگانگی دانشگاهی دانشجویان از دانشگاه تأثیر مثبت و مستقیمی وجود دارد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین (ستوده، ۱۳۸۷؛ فاضلی، ۱۳۸۲، ذکایی، ۱۳۹۰؛ موسوی و حیدرپور، ۱۳۹۰؛ کیوتیستی، ۲۰۱۱ و اوزمیر و رحیمی، ۲۰۱۱) در زمینه بیگانگی و بیگانگی تحصیلی مطابقت دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی و نتایج آزمون مدل ساختاری در سطح میدان درون دانشگاهی، می‌توان گفت، هر چقدر در دانشگاه‌ها هنجارهای محدودکننده بیشتر و سیستم جامعه‌پذیری آموزشی ضعیفی در دانشگاه رواج پیدا کند و همچنین میزان تعاملات دانشجویان با اساتید و کارکنان دانشگاه دچار فرسایش و پایین باشد، در آن صورت میزان ناسازی دانشگاهی و بیزار شدن دانشجویان از فرایند تحصیل و دانشگاه افزایش پیدا خواهد کرد. یافته‌های تحقیق در سطح میدان برون دانشگاهی نشان می‌دهد که بین ناسازی در میدان برون دانشگاهی (ابهام اشتغال، مدرک‌گرایی، بحران منزلت، فقدان علاقه به تحصیل) و میزان بیگانگی دانشجویان از دانشگاه تأثیرات مثبت و مستقیمی وجود دارد. مطابق با نتایج یافته‌های تحقیق حاضر، متغیرهای میدان برون دانشگاهی (ابهام اشتغال، مدرک‌گرایی، بحران منزلت، فقدان علاقه به تحصیل) موجب افزایش میزان ناسازی و بیگانه شدن دانشجویان نسبت به فرایند تحصیل و دانشگاه می‌شود. نتایج به‌دست آمده در سطح میدان برون دانشگاهی با نتایج تحقیقات پیشین (موسوی و حیدرپور، ۱۳۹۰؛ ذکایی، ۱۳۹۳؛ توفیقیان‌فر و حسینی، ۱۳۹۱؛ جعفری، ۱۳۹۳؛ ایجن‌لی، ۲۰۰۳؛ سیسین، ۲۰۰۶ و کیوتیستی، ۲۰۱۱)، همخوانی دارد. براساس نتایج بالا و آزمون مدل تحقیق، وقتی افراد تحت فشارهای روانی - اجتماعی از سمت خانواده و جامعه قرار می‌گیرند و تنها تضمین آینده شغلی خود را در راهیابی به دانشگاه می‌بینند، به اجبار نسبت به رشته‌های مورد علاقه خود سرپوش گذاشته و به امید آیند شغلی وارد دانشگاه می‌شوند. اما زمانی که در سال‌های تحصیلی، آینده شغلی خود را مبهم و موقعیت دانشجویی و علمی خود را در جامعه کم‌ارزش می‌بینند، بین میدان برون دانشگاهی و دانشگاه گسستی به‌وجود می‌آید که موجب فاصله‌گیری دانشجویان از فرایند تحصیل و در نتیجه بیگانه‌تر شدن خیل عظیمی از آنها نسبت به ادامه تحصیل در دانشگاه می‌شود. یکی از بحران‌هایی که جامعه دانشگاهی را با خطر فرسایش علمی مواجهه کرده،

رواج مدرک‌گرایی و ابزاری شدن آن در جهت رسیدن به اهداف اقتصادی در بین افراد جامعه است. زمانی که این سیاست با واقعیات بیرونی از جمله بحث اشتغال همخوانی نداشته باشد، موجب ناامیدی و بیگانگی دانشجویان می‌گردد. بر این اساس لازم است تا سیاست‌های وزارت علوم در مورد رشد کمی بدون برنامه رشته‌های دانشگاهی و دانشجویان بازبینی گردد و دانشگاه‌ها به سمت کیفی‌سازی علوم رفته که نتیجه آن افزایش مهارت‌های شغلی در دانشگاه و کاهش بیکاری در جامعه خواهد بود.

فرهنگ دانشگاهی قوی، ستون و پایه نظام آموزشی هر کشور است، با تقویت و برطرف کردن نقاط ضعف در این حوزه، می‌توان به بهبود مشکلات ساختاری - آموزشی در سطح دانشگاه‌های کشور کمک کرد. پدیده بیگانگی تحصیلی و ناسازی بین دانشجو و دانشگاه شاید ریشه در مقاطع تحصیلی پایین‌تر داشته باشد. با انجام تحقیقاتی کلان و کارشناسانه از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین وزارت آموزش و پرورش می‌توان به عوامل ریشه‌ای این بحران پی برده و از تشدید آن در مقاطع بالاتر جلوگیری کرد. فراهم بودن بستر و شرایط مناسب برای ایجاد نشست‌ها و رقابت‌های علمی در بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف برای رسیدن به ایده‌های نو و کارآفرینانه در جهت توسعه دانشگاه‌ها و بالا رفتن انگیزه تحصیلی در بین دانشجویان و برقراری ارتباطات و تعاملات علمی بیشتر بین اساتید - دانشجو و دانشگاه، می‌تواند از روند دلزدگی تحصیلی دانشجویان نسبت به دانشگاه و تحصیل جلوگیری کند. همچنین دانشگاه‌ها می‌توانند با همکاری سازمان‌های خصوصی جهت حمایت از پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی از روند نگرانی نسبت به آینده شغلی دانشجویان جلوگیری کنند و موجب افزایش انگیزه و رقابت علمی بیشتر در بین آنها شوند.

منابع

۱. بنی‌فاطمه، حسین و زهره رسولی. (۱۳۹۰). بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن. فصلنامه جامعه‌شناختی کاربردی. سال بیست‌ودوم. شماره ۴۱.
۲. توفیقیان‌فر، حسن و احمد حسینی. (۱۳۹۱). بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه جوانان شهر یاسوج). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. سال سوم. شماره ۸.
۳. جعفری، نسترن. (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی و بیگانگی تحصیلی (تحلیل جامعه‌شناختی) در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی شهرستان بجنورد. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه مازندران.
۴. حاجی‌زاده میمندی، مسعود. (۱۳۸۸). بررسی رابط از خودبیگانگی و منزلت علمی در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه یزد. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران. سال دوم. شماره ۳.
۵. حمدی، اکبر. (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی بیگانگی تحصیلی در میان دانش‌آموزان سال سوم متوسطه شهرستان ملکان. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی. دانشگاه مازندران.
۶. ذکایی، محمدسعید و محمدجواد اسماعیلی. (۱۳۹۰). جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. دوره چهارم. شماره ۴.
۷. ذکایی، محمدسعید و محمدجواد اسماعیلی. (۱۳۹۳). جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی. تهران: انتشارات پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۸. ذکی‌خانی، محمدصادق. (۱۳۸۹). بیگانگی دانشجویان علوم سیاسی (دانشگاه آزاد واحد کرج). فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. شماره ۱۰.
۹. رحمان‌پور، سعید. (۱۳۸۹). بررسی میزان بیگانگی اجتماعی جوانان شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.
۱۰. ریتزر، جورج. (۱۳۸۹). مبانی نظری جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن. شهناز مسمی‌پرست. تهران: انتشارات ثالث.
۱۱. زکی، محمد. (۱۳۸۸). بیگانگی اجتماعی جوانان، مطالعه موردی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان. مجله پژوهش جوانان؛ فرهنگ و جامعه. شماره ۳.
۱۲. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۷). ناکامی آموزشی و از خودبیگانگی (پژوهشی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن). فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی. سال سوم. شماره ۲.
۱۳. شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت. چاپ چهارم.
۱۴. صالح‌نژاد، حسن. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهرستان سقز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی. دانشگاه تبریز.

۱۵. عمرانی دهکهان، سجاد. (۱۳۹۳). بررسی نقش یادگیری اجتماعی در تقلب علمی میان دانشجویان دانشگاه هرمزگان. پایان نامه دوره کارشناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه مازندران.
۱۶. فاضلی، نعمت‌اله. (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا (مطالعه انسان‌شناختی در علل ناکارآمدی آموزش دانشگاهی در ایران). نامه انسان‌شناسی. دوره اول. شماره ۳.
۱۷. کلدی، علیرضا و جلال صفی‌پور. (۱۳۸۱). تحلیل جامعه‌شناختی از خودبیگانگی در میان دانشجویان دانشگاه تهران. فصلنامه شناخت. شماره ۳۵.
۱۸. گرنفل، مایکل. (۱۳۸۹). مفاهیم کلیدی پیر بوردیو. محمدمهدی لیبی. تهران: نشر افکار.
۱۹. مجیدی، امیر. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه پیام نور سنندج. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه سنندج.
۲۰. محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۱). بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی درآموزشی عالی. شماره ۲۶.
۲۱. موسوی، سیدکمال‌الدین و سکینه حیدرپورمرد. (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناختی بیگانگی تحصیلی دانشجویان؛ مطالعه موردی دانشگاه شاهد در سال تحصیلی ۸۸-۸۷. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۵۶.
۲۲. نادری، حمدالله؛ حسن بنی فاطمه و محمد اکبری حریری. (۱۳۸۸). الگوسازی ساختاری رابط بین بیگانگی و بی تفاوتی اجتماعی. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ۱۴.
۲۳. واکسو، لویک. (۱۳۸۱). پیر بوردیو (متفکران بزرگ جامعه‌شناسی). مهرداد میرداماد. تهران: نشر مرکز.
۲۴. وثوقی، منصور و محسن ساری. (۱۳۹۲). گونه‌های مختلف بیگانگی اجتماعی جوانان (تحقیقی در شهر تهران). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال پنجم. شماره ۳.

25. Asimaki, A. & G. Koustouraski. (2014). Habitus: an Attempt at a Thorough Analysis of a Controversial Concept in Pierre Bourdieu's Theory of Practice. *Social Sciences*. 3(4).

26. Atnafu, M. (2012). Motivation, Social Support, Alienation from the School and Their Impact on Students' Achievement in Mathematics: the Case of Tenth Grade Students. *Ethiopian Journal of Education and Sciences*. 8(1).

27. Bourdieu, P. (1988). *Homo Academicus*. Trnslated by P. Collier. Stanford University Press.

28. Bourdieu, P. (1995). *Outline of a Theory Pf Practice*. Traslated by R. Nice. Cambridge University Press.

29. Cecen, A. R. (2006). School Alienation: Gender, Socio-Economic Status and Anger in High School Adolescents. *Educational Sciences: Theory & Practice*. 6(3).

30. Civitci, N. (2011). School Alienation and Perceived Social Support as Predictor of School Anger in High School Student. *Elementary Education Online*. 10930.

31. Drotos, S. M. (2011). Awareness, Adaptation and Alienation: Challenges of the Frit-

- Generation American College Experience. *Comparative & International Higher Education*. No. 3.
32. Eugene Lee, E. (2003). Cultural Mistrust, University Alienation, Academic Self-Efficacy and Academic Help Seeking in African American College Students. *ETD Collection for University of Nebraska-Lincoln*. Paperaai 3092566.
33. Hakhoe Chi, T. K. (2004). The Influencing Factors on Alienation in High School Students. *Journal of Korean Academy of Nursing*. 34(1).
34. Safipour, J. (2011). Self-Reported Health and Social Alienation in Swedish Adolescents: A Cross-Sectional Study among High-School Students in Stockholm. Inst för Neurobiologi, Vårdvetenskap och Samhälle/Dept of Neurobiology, Care Sciences and Society. <https://openarchive.ki.se/xmlui/handle/10616/40811>.
35. Johnson, G. M. (2005). Student Alienation, Academic Achievement, and Webct Use. *Educational Technology & Society*. 8(2).
36. Kumar, S. (2011). Alienation in Relation to Emotinal Ihtelligence of College Students with Visual Impairment and Normal Vision, Deparment of Education University Kuru Kshetra. *Journal of Golden Resrach Thought*. Vol 1. No. 6.
37. Mann, S. J. (2005). Alienation in the Learning Environment: a Failure of Community. *Studies in Higher Education*. 30(1).
38. Mcdonough, P. & J. Polzer. (2012). Habitus, Hysteresis and Organizational Change in the Public Sector. *Canadian Journal of Sociology*. 37(4).
39. Ogawa, Y. (2008). Challenging the Traditional Organization of Japanese Universities. *Higher Education*. No. 43.
40. Osin, E. (2009). Subjective Experience of Alienation: Measurement and Correlates. *Ge-sellschaft Fur Logotherapie Und Existenzanalyse*. 1(26).
41. Ozdemir, A. & A. Rahimi. (2013). Classroom Environment and EFL Students' Feelings of Alienation: Reflection on Bahcesehir University Setting. *Journal of Education and Practice*. 4(6).
42. Rayse, S. L.; B. E. Holstein. & S. Krejher. (2008). Aspects of Alienation and Symptom Load among Adolescents. *The European Journal of Public Health*. 19(1).
43. Roeser, R. W.; S. E. Lord. & J. Eccles. (1994). *A Portrait of Academic Alienation in Adolescence: Motivation, Mental Health, and Family Experience*. Ann Arbor, 1001, 48106-1248.
44. Rovai, A. P. & M. J. Wighting. (2005). Feelings of Alienation and Community Among Higher Education Students in a Virtual Classroom. *The Internet and Higher Education*. 8(2).
45. Rudolph, K. D.; J. E. Lansford; A. M. Agoston; N. Sugimura; D. Schwartz; K. A. Dodge; G. S. Pettit. & J. E. Bates. (2014). Peer Victimization and Social Alienation: *Predicting Deviant Peer Affiliation in Middle School*. *Child Development*. 85(1).
46. Tina, H. & H. Gerda. (2011). Alienation from School – a Problem Occurring During Early Adolescence. European. Educational Research Association. *International Journal of Educational Research*. 49(6).